

اطلاعات و اسع و از باب اختراع پرورش میدهد ولی قوای بدنی و دماغی استقلال شخصی و متانت اخلاقی و فعالیت و تشبث شخصی را چندان پرورش نمیدهد و بدین جهت است که درین اواخر بسیاری از متفکرین فرانسه بنحیال اصلاح این اصول افتاده و پیشنهادهای حکومت کرده و کتابها در آداب نوشته اند. در صورتیکه در مملکت انگلیس و آلمان باوجود تبجر و اختصاص در هر یک از رشته های فنون و علوم بتکمیل قوای بدنی و معنوی محصلین بیشتر اهمیت میدهند بطوریکه محصلین این مملکتها کمتر از محصلین فرانسه دماغ خود را محفظه معلومات و اطلاعات میسازند ولی درین ضمن حسن فعالیت و تشبث شخصی و قوای بدنی خود را بوسیله ورزشهای کافی بدرجه کمال میرسانند بعبارت دیگر اصول فرانسه مردان با اطلاع و عالم و حساس و اصول انگلو ساکسون رجال باعزم و متانت و حاضر بمبارزه حیات و تحمل سختیها پرورش میدهد و برای مملکت ایران این قبیل رجال بیشتر لازمست.

فقط ازین نقطه نظر است که مامیگوئیم جوانان ایرانی را بمملکت انگلیس و یا آلمان باید فرستاد و گرنه از حیث تکمیل علوم و فنون و بعضی خصوصیات دیگر مملکت فرانسه فرقی با آلمان و انگلستان نداشته بلکه از چند جهات نیز بر آنها برتری دارد.

خوشبخت کیست و خوشبختی چیست

هر کس درین عالم پی خوشبختی میگردد، شب و روز میکوشد و جان خود را بخطرهای اندازد برای اینکه روزی خوشبخت بشود ولی اگر ازوی پیرسیم که خوشبختی چیست بسختی میتواند یک جواب

کافی بدهد. درینجهان هر کس اقلأ یک شخص دیگر را در نظر دارد که او را خوشبخت می‌شمارد و بحال او غبطه میکند ولی اگر از آن شخص پرسیم میگوید که میان او و خوشبختی فرسخه‌ها راه است.

حکمت این اختلاف درین است که هر کس خوشبختی را یکنوع تفسیر میکند و کلبه خوشبخت در ذهن هر کس یک معنی دیگر دارد. بدین سبب چندین قافله از حکما و دانشمندان آمده و گذشته و در باره این کلبه حرف‌ها زده و چیزها نوشته اند لیکن هیچکدام به حل کردن این معما و بکشف کردن این راز کامیاب نگشته است.

من هرگز درین خیال نیستم که این حکمت را موشکافی بکنم و به بد بختان نوع بشر راه خوشبختی را نشان بدهم. من خود درین راه سرگشته و حیرانم کجا میتوانم دیگران را راهنمایی بکنم من تنها میخواهم آن چیزهایی را که در وقت تفکر در این مسئله از خاطر میگذرند بروی کاغذ بیاورم. شاید این چند کلبه یک خواننده را چند دقیقه محظوظ بکند و شاید کسی چیزی بدین فکرها بیفزاید و یک لذت روحی برای من فراهم سازد.

و قتیکه من در یک گوشه تنها و در آغوش ما در طبیعت سر بتفکر فرو میبرم و وضع زندگانی بشر را مانند پرده‌های سینما از جلو چشم میگذرانم می بینم که بسیاری از مردم بد بخت و بر خی هم خوشبخت بنظر می آیند. با اینکه میدانم این خوشبختی و بد بختی فقط در نظر من و نسبت بچگونگی تجلی زندگی است در دماغ من، باز میگویم که سبب این دو حال را باید جستجو کرد. پس از بسی غوطه وری و کنجکاو درین دریای بی پایان تفکر، در نظر من چنین جلوه گر

میشود که « خوشبختی عبارت از حاصل شدن بلندترین و بزرگترین آرزوهای انسان است. »

هر کس برای خود آرزوها دارد که در میان آنها یکی هست که بر دیگریها غالب و از همه قویتر است. هر شخص فقط وقتی خود را خوشبخت می‌شمارد که بدان آرزوی بلند و قویتر خود برسد چنانکه خود بخود میگوید اگر بفلان آرزو می‌رسیدم دیگر خود را خوشبخت ترین مردم می‌شمردم.

و چون این آرزوی بلند و قوی در هر کس متفاوت است از آنرو خوشبختی هر کس نیز از خوشبختی دیگری فرق پیدا میکند مثلاً چیزی را که من خوشبختی می‌شمارم ممکن است در نظر دیگری عین بدبختی باشد و یا آن در جه قیمت و اهمیت را نداشته باشد چنانکه برای کسیکه گرفتار پنجه قهر یک ناخوشی بر رنج است بالا تراز تندرستی یک لذت و یک آرزو یعنی یک خوشبختی متصور نیست و یک بچه یتیم که مادر خود را ندیده و چشمهای او به نگاههای شفقت آمیز مادر بر نخورده و از نوازشهای مادرانه بی بهره مانده اعضا و جوارح او تپاس و مالشهای روحبخش دستهای لطیف مادر خود را احساس نکرده باشد، اگر قادر بر اظهار حسنیات روحی و قلبی خود بشود یقیناً خواهد گفت: خوشبخت کسی است که یک مادر داشته باشد.

برای یکمرد فقیر که بازحمت و خونابه پاره نانی نمیتواند دست بیاورد بزرگترین لذتها و خوشبختیها رسیدن بثروت است. و اگر از یک شیخ و یک زاهد معنی خوشبختی و بدبختی را بپرسیم خواهد گفت: خوشبخت آنکه راه حق را پیدا کرد و بدبخت آنکه در چاه ضلالت

افتاد و یا بقول سعدی خوشبخت آنکه خورد و کشت و بد بخت آنکه مرد و هشت . بدین جهت انواع خوشبختیها بیشمار است زیرا هر کسی برای خود یکنوع خوشبختی دارد و یا میخواهد . این آرزوی بلند و قوی یعنی این امید رسیدن بخوشبختی ما نند آهنربا جاذبه تمام قوای مرد را بسوی خود میکشد و او را بکوشیدن و مبارزت کردن در زندگی حاضر میکند . اما اگر از من پرسید که خوشبختی چیست من میگویم خوشبختی عبارتست از قادر شدن بخوشبخت کردن دیگران . من وقتی خود را خوشبخت میشمارم که بخوشبختی دیگران کمکی کرده باشم . برای من بالاتر ازین لذتی نیست که به بینم یک فرد دیگر بسبب من به بلندترین آرزوی خود یعنی بخوشبختی رسیده است .

در نظر من خوشبخت آنکه یک فرد را خوشبخت بتواند بکند و هزار بار خوشبخت تر آنکه یک هیئت جامعه را خوشبخت بتواند بکند .

درویش آزاد

بهترین کتابها برای ترجمه کدامست

جواب سؤالی است که در شماره اول ایران شهر درج شده بود و از طرف جناب فاضل محترم میرزا عباسخان اقبال آشتیانی معاً تاریخ و جغرافی در دارالفنون طهران رسیده است .

ایران شهر

« این دو سؤال چنانکه پوشیده نیست هر دو مشکل و مبهم و جواب دادن بآنها مستلزم داشتن اطلاعاتی وافی است و از حوصله امثال نگارنده این سطور خارج است . اما از آنجا که موضوع فوق العاده مهم و قابل